

## الزامات و رویکردهای ارتباط ایران و چین

هسته مطالعات استراتژیک کریدورها<sup>۱</sup>



«هسته مطالعات استراتژیک کریدورها»ی مؤسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام سلسله‌نشست‌های «ایران و استراتژی نگاه به شرق» را با هدف جمع‌آوری آرای صاحب‌نظران در خصوص ارتباط با قدرت‌های نوظهور شرقی طرح‌ریزی کرده است. در این نشست‌ها تلاش بر آن است که با نگاهی کل‌نگرانه، پیگیر ملاحظات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی مرتبط با این اقدام راهبردی باشیم. در همین راستا دومین جلسه از سلسله‌نشست‌های «ایران و استراتژی نگاه به شرق» با حضور دکتر وحید قربانی، به موضوع «راه ابریشم جدید، محدودیت‌ها و فرصت‌ها» با محوریت الزامات و رویکردهای ارتباط ایران و چین اختصاص پیدا کرد و متن حاضر گزیده‌ای از مطالب بیان‌شده در این نشست است.

### مقدمه

در چند سال اخیر شاهد بوده‌ایم که در کشور ما جدا از بحث‌های مرتبط با حوزه سیاست خارجی و نگرش مثبتی که در قبال چین و شرق شکل گرفته است، چین‌شناسی اندیشگاهی نیز رونق گرفته است. در حال حاضر می‌بینیم که پایان‌نامه‌ها و رساله‌های بسیاری راجع به چین در حال نگارش است و کتاب‌های بسیاری در این باره منتشر می‌شود. این رویکرد جدید به شرق و چین فراهم‌آورنده این فرصت است که کارهای جدی‌تری در حوزه چین‌شناسی در ایران انجام شود و غفلت‌هایی که در گذشته در این باره وجود داشته است، برطرف شود. بدیهی است که چنین تلاش‌هایی به شناخت بهتر ما از جهان شرق و قدرت‌های نوظهور منجر خواهد شد.

### ضرورت ارتباط با چین

برای درک بهتر ضرورت ارتباط با چین باید ابتدا به فضای ایجادشده در عرصه بین‌المللی نگاهی انداخت و فهم درستی از

۱. علی حسینی، فرشاد عادل، علی هادوی

تحولات ایجاد شده در ساختار بین‌المللی ارائه داد. در حال حاضر، چین نه به‌عنوان قدرتی نوظهور، بلکه به‌عنوان قدرت روبه‌صعود جهانی شناخته می‌شود که با سرعت زیادی در حال اوج‌گیری است و قله‌های پیشرفت را یک‌به‌یک فتح می‌کند. امروزه، کشور چین علاوه بر حوزه اقتصادی، در حوزه فرهنگی نیز نفوذ گسترده‌ای یافته است و همچنین در حال تبدیل شدن به دومین قدرت نظامی برتر دنیاست. همچنین شاهد هستیم که در حوزه فناوری و فضا هم‌راستا با قدرت‌های بزرگ غربی در حال حرکت است و به پیشرفت‌های بسیاری در این زمینه رسیده است. پس از جنگ جهانی اول و حتی از اواخر عصر قاجار به این سو، شاهد تحولات اساسی در حوزه قدرت جهانی بوده‌ایم. در برهه‌ای از تاریخ، آمریکا جای انگلستان را به‌عنوان قدرت برتر جهانی گرفت. ما در آن دوران، آماده مواجهه با این تحولات در نظم بین‌المللی نبودیم و همین موجب شد بیش از آنکه از منافع این تحولات بهره‌مند شویم، تحت تأثیر ابعاد منفی آن قرار بگیریم. این مسئله تا حد زیادی منشأ وابستگی‌های زیاد ایران پیش از انقلاب به غرب بود؛ چراکه در آن برهه از تاریخ، آماده ورود به این نظم جدید نبودیم. در حال حاضر نیز با رخ دادن تحولات اساسی در نظم بین‌الملل و ظهور قدرت‌های نوظهوری مانند چین، اندونزی، روسیه و برخی کشورهای آمریکای جنوبی و آفریقا باید آمادگی لازم در جمهوری اسلامی ایران برای مواجهه با این نظم نوین وجود داشته باشد. یکی از الزامات مهم رابطه با چین وجود آمادگی برای ورود به نظم جدید بین‌المللی است. ما شاهد بوده‌ایم که چین تحولات مختلفی را پشت سر گذاشته تا توانسته است امروزه خود را به‌عنوان یکی از قدرت‌های مهم این تحولات جدید مطرح کند. امروزه، درآمد ناخالص ملی چین بیش از ۲۴ تریلیون دلار است که این عدد بیانگر پیشی گرفتن چین از آمریکا در این شاخص مهم است و چین با استناد به این شاخص خود را به‌عنوان قدرتی در حال صعود معرفی می‌کنند. با تکیه بر این پیشرفت‌ها امروزه، حوزه سرمایه‌گذاری یکی از عرصه‌های مهم فعالیت چین است؛ بنابراین ارتباط با چین می‌تواند فرصت مناسبی نه تنها برای ایران، بلکه برای تمامی کشورهای جهان باشد تا نقش خود را در نظم نوین جهانی و در زمانی که معادلات قدرت در جهان در حال تغییر است، بازتعریف کنند.

### سیر توسعه چین

چین سه دوره مختلف را بعد از گشایش اقتصادی از سر گذراند. در دوره اول، چین به سرمایه خارجی، وابسته و فضایی را فراهم کرده بود تا جذب سرمایه به این کشور صورت پذیرد و در عین حال به صدور کالا می‌پرداخت. در این مرحله از توسعه، بیشتر، ناحیه‌های شرقی چین نظیر حاشیه هنگ‌کنگ و شانگهای و پکن که صادرات محور بودند، رشد کردند. این تحول به تدریج با عضویت چین در سازمان تجارت جهانی توسعه پیدا کرد و چین به بازیگر اصلی در حوزه صدور کالا و تولید کارخانه‌ای تبدیل شد و از سال ۲۰۰۹ به این سو نیز از آمریکا در این زمینه پیشی گرفته است و در حال حاضر بیش از ۲/۵ تریلیون دلار صادرات انجام می‌دهد. این فرایند از ۲۰۰۱ آغاز شد و در ۲۰۰۸ به اوج رسید. پس از این دوره و به‌ویژه با قدرت‌گیری شی جین‌پینگ، تحولات تازه‌ای در سیر توسعه چین رخ داد و در حال حاضر، چین در حال خارج شدن از لاک دفاعی است و نگرش این کشور به توسعه دیگر صرفاً اقتصادی نیست. امروزه، بازتاب‌هایی از این نگرش در سپهر سیاسی چین قابل مشاهده است و تحولات

عظیمی در حوزه نهادی عرصه سیاسی این کشور به وجود آمده است و امروزه دوگانه حزب و دولت در چین کم‌رنگ‌تر شده است.

### استراتژی جدید چین؛ مشارکت، کمربند و راه

ایده صدور سرمایه و ابتکار کمربند و راه در سال ۲۰۱۳ ناشی از همین تحولات در عرصه سیاسی چین بوده است. کمربند و راه که می‌توان گفت یکی از ایده‌های مهم یک دهه اخیر چین بوده است، با موضوع دیگری تکمیل می‌شود که آن مشارکت است و معمولاً این موضوع کمتر از ابتکار کمربند و راه مورد توجه قرار می‌گیرد. بحث مشارکت برای چینی‌ها بسیار اهمیت دارد و آن را هم‌راستا با ابتکار کمربند و راه در دنیا پیش می‌برند. این موضوع در قالب قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین در کشور ما نیز انعکاس یافته است. مشارکت الگویی از رابطه است که بسیاری از قدرت‌های نوظهور نظیر چین، هند و روسیه برای تعریف رابطه خود با سایر کشورها از آن استفاده می‌کنند. چینی‌ها قبلاً هم تجربه‌ای از الگوی مشارکت در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ داشته‌اند؛ اما با این نگرش جدیدی که در چین حاکم شده است، الگوی مشارکت و ابتکار کمربند و راه به‌عنوان لازم و ملزوم در کنار هم پیگیری می‌شوند. باید اشاره کرد که مشارکت نوعی از رابطه است که به‌لحاظ حقوقی چندان تعهدآور نیست و این برای چین که همواره نگران است برداشت‌های سوئی از توسعه‌اش وجود داشته باشد، گزینه مطلوبی است.

در ارتباط با ابتکار کمربند و راه کریدورهای مختلفی مطرح هستند که ایران می‌تواند در چند کریدور عهده‌دار نقش داشته باشد. امروزه، شاهدیم که کریدور چین به سمت غرب آسیا تقریباً غیرفعال است و فعال‌ترین مسیر، مسیری است که از بالای دریای خزر عبور می‌کند و به اروپا می‌رسد. این مسیر در واقع مسیر اصلی راه ابریشم است و امروزه به‌عنوان پل زمینی جدید اوراسیا مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مسیر بسیار مورد توجه چینی‌ها بوده است و بسیاری از برنامه‌های چینی‌ها متمرکز بر این مسیر است. همچنین کریدور چین-پاکستان (سی‌پک) نیز بسیار مورد توجه است و برنامه‌های مختلفی از سوی چینی‌ها برای آن وجود دارد. البته باید اشاره کرد که بسیاری از اعداد و ارقامی که در خصوص سرمایه‌گذاری چین در حوزه کمربند و راه به آن‌ها استناد می‌شود، فعلاً تحقق نیافته‌اند. در عین حال باید توجه کرد که چین در این عرصه، فعالیت‌های بسیاری انجام می‌دهد و سرمایه‌گذاری در این حوزه بسیار مورد توجه این کشور است. از جمله بحث‌های مرتبط با کمربند و راه که در ایران توجهی به آن نشده است، این نکته است که حوزه زیرساخت و اقتصاد تنها بخشی از کار است و همان‌گونه که راه ابریشم قدیم از چارچوب‌های فرهنگی و ارتباطات مردمی برخوردار بود، در راه ابریشم جدید نیز سویه‌های فرهنگی و تمدنی بسیار مورد توجه است. در حال حاضر، حوزه‌های همکاری ابتکار کمربند و راه عبارت‌اند از: هماهنگی‌های سیاسی مرتبط، ساختن زیرساخت‌ها، روان‌سازی جریان تجارت و سرمایه‌گذاری، هم‌گرایی، ادغام مالی و ایجاد ارتباطات بین‌مردمی. بنابراین اگر بخواهیم کمربند و راه را تعریف کنیم یا به انتقاداتی که در خصوص دیپلماسی مشارکت وجود دارد پاسخ دهیم، باید از نوعی هماهنگی سیاسی برخوردار باشیم و در عین حال، سرمایه اجتماعی این موضوع نیز باید فراهم شود که ارتباط بین‌مردمی می‌تواند به این مورد کمک کند. در حوزه ارتباطات بین‌مردمی پلن‌های مختلفی وجود دارد که برای مثال، گردشگری یکی از آن‌هاست که البته ممکن است از مزیت



اقتصادی هم برخوردار باشد. این نگرشی است که چینی‌ها نیز دارند و نگاه همه‌جانبه به این موضوع بسیار برایشان اهمیت دارد. شیوه‌های تأمین مالی که در خصوص کمربند و راه از سوی چینی‌ها دنبال می‌شود، متفاوت است و چین سعی می‌کند متناسب با شرایط هر کشور شیوه تأمین مالی مناسبی را در پیش بگیرد. این شیوه‌های تأمین مالی شامل این موارد است:

- مشارکت عمومی - خصوصی (Public-Private Partnership): بخش عمومی، یعنی دولت و سایر نهادهای حکومتی، به منظور تأمین خدمات زیربنایی از ظرفیت‌های بخش خصوصی، اعم از دانش، تجربه و منابع مالی، استفاده می‌نماید.

- طراحی، ساخت، تأمین مالی و بهره‌برداری (Design Build Finance Operate): در این قرارداد، پیمانکاران در کنار تأمین مالی، به طراحی، ساخت، مدیریت امکانات و تجهیزات اقدام می‌کنند و پس از آن، طی دوره مشخص شده در قرارداد، از آن بهره‌برداری می‌کنند.

- قرارداد جوینت ونچر یا قرارداد مشارکت انتفاعی (Joint Venture).

- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (Foreign Direct Investment).

- مشارکت شرکت‌های خصوصی و دولتی (Involvement of Public & Private Enterprise): این موضوعی مهم برای کشور ماست که در شرایط تحریمی قرار دارد و باید شیوه مناسب خودش را برای تأمین مالی از سوی چینی‌ها در نظر بگیرد. از جمله نمونه‌های قابل اشاره در خصوص سرمایه‌گذاری چین، کشور بلاروس است که در راستای ابتکار کمربند و راه تفاهم شد ۲ میلیارد دلار در پارک صنعتی چین - بلاروس (گريت استون) سرمایه‌گذاری کند. ۱/۵ میلیارد سهم چین و ۵۰۰ میلیون دلار سهم بلاروس شد. پیش‌بینی بر افزایش سرمایه به ۵/۵ میلیارد دلار نیز صورت گرفته است. پروژه بلندمدت سرمایه‌گذاری ۳۰ میلیارد دلاری است. باید اشاره کرد که چین امروزه بیش از ۱ تریلیون دلار سرمایه‌گذاری در زمینه انرژی و ترابری و راه‌سازی دنیا انجام می‌دهد که بخشی از آن در جدول زیر آمده است:

ردیف	نام کشور	میزان سرمایه‌گذاری چین
۱	روسیه	۶۷۲ میلیارد دلار
۲	ونزوئلا	۶۲۲ میلیارد دلار
۳	قزاقستان	۵۳۶ میلیارد دلار
۴	پاکستان	۶۲ میلیارد دلار
۵	نیجریه	۶۳ میلیارد دلار
۶	اوکراین	۷ میلیارد دلار
۷	ازبکستان	۴۹ میلیارد دلار
۸	ترکمنستان	۷۳۱ میلیارد دلار
۹	میانمار	۲۶ میلیارد دلار
۱۰	شرق آفریقا	۱۳ میلیارد دلار
۱۱	آرژانتین	۲۰۴ میلیارد دلار
۱۲	برزیل / پرو	۱۴ میلیارد دلار

## ظرفیت‌های ایران در ابتکار کمربند و جاده

کشور ما کشوری است که با وجود پیشرفت‌های بسیار، تا حد زیادی، از چرخه توسعه جا مانده است و باید اشاره کرد امروزه، فضای توسعه فضای دشوارتری است. شاید در برهه‌هایی مانند اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ فضای توسعه و فرصت‌ها برای توسعه اقتصادی بیشتر فراهم بود؛ اما در حال حاضر، هر روز، این عرصه تنگ‌تر می‌شود و رقابت‌های بین‌المللی برای به‌دست آوردن منابع و سرمایه و قدرت شدیدتر می‌شود. ما در وضعیت ویژه‌ای هستیم و شاید بتوان گفت جزء دو کشور بسیار مهم برای چین به حساب می‌آییم. دو کشور ایران و عراق، به لحاظ زیرساختی و پروژه‌هایی که مدنظر چینی‌هاست، مزیت‌هایی دارند؛ اما به حد کافی در چرخه تعامل با چین قرار نگرفته‌اند؛ چراکه ایران شرایط خاص خود را دارد و پس از بحث‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای شرایط به‌گونه‌ای پیش رفت که موانع زیادی در بحث جذب سرمایه‌گذاری و برنامه‌های اقتصادی به وجود آمد. بنابراین ایران کشوری است که در این زمینه اشباع نشده است و در عین حال ویژگی مهمی دارد که آن را با سایر کشورها متمایز می‌کند: منابع. این موضوع می‌تواند در ترغیب چین برای ارتباط با ایران کمک کند. از همین روست که در حال حاضر چینی‌ها ارتباطات خود با ایران را با وجود فشارهای غرب و تحریم حفظ کرده‌اند. این توجه ویژه از سوی چین به عراق هم وجود دارد و در سال‌های اخیر، نشانه‌های مختلفی از نزدیک شدن این دو کشور به یکدیگر به منصفه ظهور رسیده است. اما وضعیت ایران وضعیت خاصی است؛ چراکه این کشور کانون ارتباط شرق و غرب است و این صرفاً در حوزه اقتصادی نیست و از جنبه‌های مختلف فرهنگی، تکنولوژیکی، برق و انرژی حائز اهمیت است. باید اشاره کرد که چینی‌ها برنامه‌هایی برای موضوعات مرتبط با برق دارند که ایران در این زمینه به دلایلی نظیر زیرساخت‌ها و وضعیت خاص جغرافیایی، هاب منطقه در نظر گرفته شده است. در حوزه کمربند و راه نیز همین طور است و ایران نقش غیرقابل انکاری برای طرف چینی دارد. در عین حال، این بسیار بد است که ما هنوز بعد از ده سال به دنبال نقشمان در این پروژه‌ها هستیم و هنوز اقدام عملی چشمگیری برای این موضوعات انجام نداده‌ایم.

ایران از میراث عظیمی در حوزه کمربند و راه برخوردار است و همواره نام ایران در کنار چین با راه ابریشم گره خورده است. ایران از بیشترین ابنیه تاریخی مرتبط با راه ابریشم برخوردار است که نشان‌دهنده سابقه عظیم تاریخی ایران در اتصال شرق و غرب به واسطه راه ابریشم است و این خود شاهد مثالی است از ناممکن بودن نادیده گرفتن نقش ایران در این زمینه.



نکته‌ای دیگر که باید در بحث کمر بند و راه مورد توجه قرار گیرد، نقشی است که ایران در متصل ساختن کشورها به یکدیگر ایفا می‌کند. ما امروزه رقبای متعددی در حوزه کریدورها در منطقه داریم و این موضوع امروزه به شدت رقابتی است و صرفاً محدود به ارتباط ریلی یا راه نیست؛ بلکه حوزه‌هایی نظیر انتقال انرژی هم نقش مهمی در این میان دارند. در مقطع کنونی، توافق‌هایی نظیر توافق دریای خزر باعث شده است فضای بهتری برای کشورهای منطقه برای همکاری در این حوزه‌ها ایجاد شود که در پی آن، نادیده گرفتن ایران در حوزه کریدورها به امری ساده‌تر تبدیل شده و لازم است ما نیز هرچه زودتر اقداماتی در این زمینه به انجام رسانیم. امروزه، توافق دریایی خزر به تشدید عبور کریدورهای تجاری از دور ایران منجر شده است که این به نفع رقبای ماست. در حوزه انرژی نیز شاهد هستیم که خطلوله‌ای مانند تاپی (TAPI) در حال دوزدن ایران است؛ در حالی که خطلوله صلح ایران نزدیک به دو دهه است معطل مانده است. کمر بند و راه می‌تواند فرصت مناسبی در این حوزه باشد و به خطلوله انرژی چین و پاکستان متصل شود.

### نگاه به شرق؛ نگاه به قدرت‌های نوظهور

نگاه به شرق را باید فراتر از تعریف ژئوپلیتیکی گذشته، راهبرد ژئواکونومیک و ژئواستراتژیکی ناشی از «انتقال قدرت در نظم جهانی» و «الزامات نقش ایران» تعریف کرد که به قدرت‌های نوظهور عالم، به‌ویژه در دنیای شرق، توجه خاصی دارد و در پی تعریف همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه با آن‌ها برای تأمین منافع جمهوری اسلامی ایران است. ایران باید مشخص کند نقش خود را در عرصه بین‌الملل چگونه می‌بیند. ما در شرایطی قرار داریم که نمی‌توانیم به رابطه با غرب و به‌خصوص آمریکا پافشاری کنیم و بنابراین بحث استراتژی نگاه به شرق به معنای ارتباط گسترده با قدرت‌های نوظهور باید برای ما پررنگ‌تر و جدی‌تر باشد. ما برای ارتباط با قدرت نوظهور، از جمله چین، دو دلیل مهم را می‌توانیم برشماریم که یکی، تحول در نظم بین‌الملل و دیگری، نقش هویتی ایران است. ما در برهه اخیر حتی پس از برجام نتوانستیم با غرب کار کنیم؛ در حالی که همین حالا مشغول کار با چینی‌ها هستیم. البته این به معنای نگاه به چین به‌عنوان بازیگری بی‌طرف نیست و کسی نمی‌تواند ادعا کند که چینی‌ها بی‌عیب و بدون مشکل‌اند و بر اساس انصاف با جهان برخورد می‌کنند؛ چراکه آن‌ها نیز به منافع خود بیش از هر چیزی

اهمیت می‌دهند. ما باید خودمان از منافعمان حفاظت کنیم و در ارتباط با چین نیز به ابعاد مختلف ماجرا توجه داشته باشیم. یکی از الزاماتی که در استراتژی نگاه به شرق باید مورد توجه قرار گیرد این نکته است که رابطه با شرق فقط نباید به چین منحصر شود. در استراتژی نگاه به شرق، فرصت‌های متعددی وجود دارد که برای مثال، اتحادیهٔ اوراسیا یکی از این فرصت‌های عظیم است. کریدور شمال-جنوب نیز می‌تواند یکی دیگر از این فرصت‌ها باشد که در این زمینه با روسیه و هند توافق‌هایی کرده‌ایم؛ اما متأسفانه در این باره کم‌کاری‌هایی رخ داده است. این کریدور می‌تواند به سبب اهمیت تجارت دریایی، بخشی از حجم بار عبوری از کانال سوئز را به خود جذب کند که این، فرصتی بی‌نظیر برای ایران در حوزه‌های مختلف فراهم خواهد ساخت. این کریدور در سال‌های اخیر محدود به آذربایجان بوده است؛ در حالی که ما باید برنامه‌ریزی‌های لازم را برای اتصال این کریدور به ارمنستان و سپس دریای سیاه انجام دهیم. به این موارد، تجارت با اتحادیهٔ آسه‌آن را نیز باید اضافه کنیم. همهٔ این موارد در کنار ابتکار کمربند و راه فرصت‌هایی هستند که ایران می‌تواند از آن‌ها استفاده کند. از سوی دیگر، کشورهای آمریکای جنوبی و آفریقا نیز فرصت بالقوه‌ای هستند که باید مورد توجه قرار گیرند. برای مثال، رابطه با ونزوئلا برای ایران می‌تواند دروازهٔ ورود به بازارهای آمریکای جنوبی باشد و این‌ها همگی فرصت‌هایی هستند که از طریق تعامل با قدرت‌های نوظهور به وجود می‌آیند و امروزه باید فهم ما از استراتژی نگاه به شرق به معنای توسعهٔ مناسبات با قدرت‌های نوظهور باشد.

## ایران و ابتکار کمربند و راه

این نکته روشن است که برای تأمین سرمایه‌گذاری و پیگیری برنامه‌های توسعه نیازهایی داریم؛ چراکه نزدیک به بیست سال است بخش مهمی از برنامه‌های ما برای توسعه معطل مانده است و باید توجه داشته باشیم که بخشی از الزامات این مسائل می‌تواند با همراهی قدرت‌هایی نظیر چین و روسیه تأمین شود. امروزه، این همکاری‌ها مورد توجه همهٔ کشورهای منطقه قرار گرفته است؛ برای مثال، کشور امارات توجهی جدی به مناسبات با چین دارد و چینی‌ها نیز تمرکز ویژه‌ای به همکاری با این کشور معطوف کرده‌اند. امروزه شاهدیم که از امارات به عنوان هاب ترانزیت منطقه یاد می‌شود. ما نیز باید از مناسباتی که در حال حاضر فراهم است، استفاده کنیم و حداکثر ظرفیت‌ها را در این زمینه به کار گیریم. ابتکار کمربند و راه یکی از این فرصت‌های فراهم است که می‌توانیم از آن بهره‌برداری کنیم. در بحث کمربند و راه، عمدهٔ توجه‌ها در ایران به مباحثی نظیر زیرساخت‌ها و ساخت ریل و راه معطوف است و به نوعی، راه و ریل به نمادی از این ابتکار در ایران تبدیل شده است؛ در حالی که چینی‌ها در این حوزه صرفاً بر این مباحث مرتبط با راه متمرکز نیستند و موارد بسیاری نظیر همکاری در حوزهٔ فناوری‌های تک و گردشگری را مدنظر دارند. چین در سال ۲۰۱۹ بیش از ۱۵۰ میلیون گردشگر به کشورهای مختلف فرستاده است. این حوزه ظرفیتی مهم به شمار می‌رود و می‌تواند مورد توجه باشد. لازمهٔ سود بردن از این امکان، شکل‌گرفتن پیوندهای فرهنگی و مردمی بین دو کشور است و ابتکار کمربند و راه به عنوان چارچوبی مفهومی می‌تواند در این زمینه‌ها به کار آید.

ما تا به حال دست کم در سه پروژه مرتبط با ابتکار کمربند و راه با چینی‌ها همکاری کرده‌ایم. این پروژه‌ها عبارت‌اند از:

• برقی سازی قطار تهران مشهد؛

• فاینانس چینی قطار سریع السیر تهران-قم-اصفهان؛

• پروژه توسعه زیرساختی خط ریلی سمرقند-مشهد.

پروژه اول به علت تحریم‌ها در توقف نسبی است و دومی با پیشرفت حدود ۶ درصد، به دلیل تحریم‌ها و اختلاف در مسائل مالی و اعتباری با سازمان برنامه و بودجه، متوقف شده و پروژه سوم نیز در سال ۲۰۱۸ در کشور ترکمنستان عملیاتی شده است. نکته مهم در خصوص ابتکار کمربند و راه این است که این ابتکار با پروژه تفاوت دارد؛ به این معنا که پروژه، همکاری محدود در حوزه‌ای مشخص است؛ در حالی که در ابتکار صرفاً چین پیشنهاددهنده حوزه همکاری نیست و کشور مقابل نیز می‌تواند در هر زمینه‌ای به چین پیشنهاد همکاری بدهد و این موضوع از سال ۲۰۱۵ مدنظر چینی‌ها قرار گرفته است. نکته مهم بعدی در خصوص کمربند و راه این است که مزیت درازمدت برای ما ایجاد می‌کند که از طریق افغانستان با چین مرتبط شویم؛ البته افغانستان شرایط خاص خود را به لحاظ امنیتی و سیاسی دارد و با وجود اینکه مسیر اتصال را تا خوفاً پیش برده‌ایم، در حال حاضر ارتباط با چین از این مسیر تقریباً غیرممکن است؛ ولی در بلندمدت باید به توسعه این مسیر فکر کنیم و اقدامات لازم را به انجام رسانیم. باید چین را در این مسیر درگیر کنیم؛ چراکه چین تا حد زیادی مسائل مرتبط با افغانستان را از دریچه ارتباط خود با پاکستان می‌بیند؛ زیرا چین با ایران همکاری زیادی در حوزه افغانستان نداشته است. بنابراین لازم است با نگاه بلندمدت به ابتکار کمربند و راه اقداماتی در این خصوص انجام دهیم. همچنین، درگیر کردن چین در افغانستان برای توسعه و فراهم شدن نظم سیاسی و ثبات در این کشور مفید خواهد بود.

## ایران و چین؛ فرصت و چالش‌ها

پس از مطرح شدن بحث مشارکت چین با ایران که خروجی آن، برنامه جامع همکاری ایران و چین بود، صحبت از عدد و رقم‌های بزرگی در خصوص این همکاری به میان آمد؛ اما باید در نظر داشت که تجربه همکاری با چین تا به امروز به دلایل مختلفی مانند فشارهای بین‌المللی و داخلی در ایران و چین چندان موفقیت‌آمیز نبوده است. این تصور وجود دارد که چین بسیار علاقمند به کارکردن با ایران است؛ اما در چین بر سر موضوع همکاری با ایران اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد. بعد از سال ۲۰۱۴ یکی از سؤالات مهم مطرح در محافل و اندیشگاه‌های چینی این است که باید چگونه با ایران مواجه شد. یکی از نظرها در این باره این است که ایران بازیگری متفاوت و از هویت متفاوتی برخوردار است که شاید با بروز و عینیت فعلی چین در صحنه جهانی مطابق نباشد و برای چینی‌ها این مسئله مطرح است که ممکن است همکاری با ایران برای چین هزینه‌هایی داشته باشد. تحریم‌ها نمود عینی متفاوت بودن ایران است. با در نظر گرفتن این موضوع، تاکنون تجربه مطلوبی از همکاری با چین نداشته‌ایم و کل عدد اعلامی چین درباره سرمایه‌گذاری در ایران ۲۶ میلیارد دلار از سال ۲۰۰۵ بوده که عدد بزرگی نیست. نکته دیگری که وجود دارد این است که به گمان عده‌ای از کارشناسان، بعد از برجام، ایران تمایل زیادی به همکاری با چین نشان نداد و این باعث شد چین بعد از خروج آمریکا از برجام اراده لازم برای توسعه همکاری‌ها با ایران را در خود ایجاد نکند. در نتیجه،





تمایل چین به کارکردن با ایران بسیار کم شد. این نحوه عمل، ناشی از تفکر افرادی بود که در این دوره بر سیاست خارجی کشور حاکم بودند. این اتفاق باعث شد چین ایران را خواهان گسترش همکاری‌ها نبیند. دلیل اینکه آقای لاریجانی مسئولیت مذاکره با چین را پس از مطرح شدن دوباره بحث مشارکت و همکاری بر عهده گرفت، این نکته بود؛ چراکه ما باید اراده و جدیت خود را برای همکاری با چین در سطحی فراتر از دولت نشان می‌دادیم. موضوع دیگری که باید به آن توجه شود، تجارت است. امروزه، تجارت ما با چین تا حد زیادی معیوب است و حتی در برنامه جامع همکاری ایران و چین اشاره‌ای به مدل همکاری اقتصادی تجاری ایران و چین نشده است. ما باید در بحث تجارت با چین نگاهی فراتر از صادرات مواد خام و معدنی داشته باشیم و حداقل در تکمیل زنجیره تأمین منطقه، نقشی برای خود متصور باشیم. بنابراین لازم است برای استفاده از ابتکار کمربند راه در این حوزه برنامه‌ریزی کنیم. فرصت‌ها برای ما خیلی سریع در حال ازدست‌رفتن هستند و باید هرچه سریع‌تر از منابع داخلی مان برای توسعه استفاده کنیم و کمربند و راه یکی از فرصت‌های فراهم برای ماست. افزون بر این، باید معضلات مرتبط با بحث تجارت خارجی و صدور کالا و خدمات و نیز سیاست همسایگی مان را حل کنیم و دیپلماسی اقتصادی فعالی را در پیش بگیریم. این نکات باید مورد توجه دولت بعد باشد.